



۲۰۱۵/۱۱/۰۹



محمد نعیم اسد

استاد پوهنځی های اقتصاد کابل و هرات

## انکشاف پوهنځی اقتصاد کابل بعد از جدائی از پوهنځی حقوق و دیپلماسی

### قسمت اول

#### یک تبصره ضروری

این مقاله که به ارتباط یاد بود روابط 100 ساله بین جرمنی و افغانستان نوشته شده است، شامل دو قسمت می باشد: قسمت اول به اساس مصاحبه ئی که با استادم جناب دکتور عبدالواحد سرابی اولین رئیس وموسس پوهنځی اقتصاد پوهنتون به عمل آمده، کابل تحریر شده است.

#### پیشگفتار

در سال 1945 جنگ دوم جهانی خاتمه یافت. سازمان ملل متحد با اهداف بلند بالا از جمله تأمین صلح، تعمیم دموکراسی، رعایت و احترام به حقوق انسانی تأسیس گردید. اعلامیه ویلسن رئیس جمهور سابقه امریکا به منظور تأمین امنیت و نظم جدید در اروپا، تعیین سرنوشت ملل ومردم به دست خود (Selbstbestimmungsrechts der Völker و یا Self-determination)، دموکراسی و آزادی ملل از رقیب بیگانه بارقه امیدی در دل ملت های مظلوم خاصاً در آسیا و قیانوسه افریقا بوجود آورد. دولت انگلیس که دیگر ضعیف شده بود، جای خود را در رهبری سیاسی ئی قدرت نظامی جهان به ایالت متحده امریکا عملاً واگذاشت و وعده هائی را که مستقیماً به مستعمرات در باره دادن آزادی شان داده بود، نمی توانست انکار کند.

افغانستان که همسایه هند برتانوی بود و همسایگی با بزرگترین گوهر (Jewel) تاج سلطنت برتانیه سایه خود را همیشه در فضای مملکت ما گسترده نگهداشته بود، در سال 1947 آزاد شده و به استقلال رسید. دیگر بعد از این واقعه امید آزادی ئی واقعی و دموکراسی راستین دل همه مردم آزادی خواه و تشنه لب استقلال و خود ارادیت را به تپش انداخت.

خاندان حاکم بر افغانستان چه از قدیم و یا بعد همه دست نشانده ئی انگلیس بود، از ترس آنکه مبدا در سایه ئی دموکراسی که از تأسیس ملل متحد و نفوذ امریکای بعد از جنگ در جهان شایع شده بود و یا شایع شدنی می نمود، قدرت خود را از دست بدهد در فکر حتی الامکان حفظ قدرتش در تپ و تلاش شد.

دولت جدیدی در همجواری افغانستان بنام پاکستان قد علم کرد. سردار شاه ولی خان اولین سفیر افغانستان در اولین پایتخت پاکستان که در آنوقت شهر کراچی بود، در جشن سال تأسیس آن مملکت با اشتراک در مراسم اولین سال آزادی آن و گفتن تبریک عملاً آن مملکت را به رسمیت شناخت.

بمنظور اینکه ماهم از آزادی و دموکراسی نو و عضویت سازمان ملل متحد که مرحوم عبدالحمید عزیزنماینده دولت افغانستان در سند تأسیس سازمان ملل متحد امضا کرده بود، استقبال خود را نشان بدهیم، صدر اعظم بر حال آنوقت که به تشدد و تظلم معروف بود یعنی سردار محمد هاشم خان استعفی داد و برادر دیگرش بنام شاه محمود خان صدر اعظم شد. در ابتدا لقبی که برایش در کوچه و بازار داده بودند، به حیث پدر دموکراسی کار هائی را روی دست گرفت. مثلاً ریاست بلدیة را انتخابی ساخت که به شرایط محیط و مردم آن وقت افغانستان واقعاً انتخاب آزاد و دموکراتیک بود. انجینر غلام محمد فرهاد به حیث رئیس بلدیة کابل انتخاب گردید. شورای ملی انتخابی شد.

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

آقای غلام محمد غبار و داکتر محمودی به حیث وکلای شهر کابل واقعاً طور آزادانه انتخاب شدند. من (داکتر سرابی) که تازه شاگرد صنف دوازدهم بودم با آقای پروفیسو دکتور داور (که یک یا دو دوره قبل از من بود)، سلطان حسین (بعداً آقای ببرک کارمل) و بعضی اشخاص دیگر (که اسمای شان فراموش شده است) در جنبش محصلین مقاله می خواندیم و در جلسات اشتراک می کردیم که واقعاً فضای آزادی در محیط مملکت حکم فرما بود. بعد از مدتی شرایط در جهان تغییر کرد، دموکراسی و آوازه حقوق بشر، مساوات و غیره و غیره تغییر پذیرفت. فضای افغانستان هم با تقرر سردار محمد داوود خان به حیث صدر اعظم رنگ و بوی دیگری گرفت. من در وینا (Wien) پایتخت اتریش مصروف تحصیل بودم که در حوالی سال 1333 هـ. ش سردار محمد داوود خان به عوض عموی خود که شخص حلیم گفته می شد، با مشت آهنین صدراعظم شد. در وقت صدارت سردار محمد داوود خان تغییرات کلی به سیاست خارجی ای افغانستان نظر به شرایطی که در همه جا بعد از جنگ دوم جهانی به وجود آمد، جهان را مبدل به صحنه نئی کشمکش دو قدرت بزرگ ساخت. اینکه فضای بی اعتمادی و جنگ سرد چه نتیجه نئی را برای ممالکی چون افغانستان با موقعیت طبیعی آن بار آورد، موضوعی است که در این جا قابل بحث نیست. اما برای فهم موضوع بعدی همین اشاره کافی است که به خاطر مناسبات نه چندان خوب ما با پاکستان داوود خان برخلاف عموهای خود سیاست افغانستان را وابسته به اتحاد شوروی کرد که نتایج آن به همه واضح است.

### 1 - ایجاد و انکشاف پوهنخی اقتصاد کابل

چون داوود خان شخص نظامی بود، یک شخص نظامی را بنام عبدالملک عبدالرحیمزی به حیث وزیر مالیه مقرر کرد. آقای عبدالرحیمزی مانند سایر افراد رشته نئی نظامی آن وقت در ترکیه تحصیلات خود را در رشته لوژیستیک حربی به پایان رسانید و به حسابداری و لوازم آشنائی و بلدیت داشت. به اساس همین معلومات و اندوخته های خود در نظر داشت تا نظام اداری و حسابی وزارت مالیه را تغییر دهد.

نظام حسابی وزارت مالیه از سابق به شیوه رقوم وبعداً به نام شیوه منچولی رایج بود. اینجانب در سال 1316 هـ ش از سراب غزنی بکابل آمده و به صنف دوم مکتب نجات ( امروز به نام اصلی مکتب امانی) شامل شدم. از اقارب من که به حیث مامورین اداری در ادارات دولتی کار می کردند، چیزی بنام روزنامه یعنی ژورنال (Journal و Prima Nota) که در رشته (Buchhaltung و یا Bookkeeping) می شناسیم، می شنیدم. حدس من اینست که منچولی شاید کدام ایتالوی بوده باشد که در رشته دفتر داری (امروز بنام) محاسبه دولتی شیوه از حساداری بسیط دخل و خرج روزانه را رواج داده باشد.

آقای عبدالرحیمزی از معتمدین درجه اول و نزدیک ترین فرد در اداره و عضویت کابینه از افراد قرب و جوار داوود خان شمرده می شد و تقریباً کل اختیار امور بعد از داوود خان دانسته می شد. آقای عبدالرحیمزی می خواست نظام حسابی وزارت مالیه به شیوه جدید در آورده و اصلاح کند. چون مامورین سابقه وزارت مالیه میرزا های قدیمی بودند که شیوه حسابی جدید بلدیت نداشتند، برای این کار باید یک تعداد جوانان آموزش می یافت. برای این مأمول وزیر جدید مالیه کورسی را به منظور آموزش شیوه جدید بنام کورس مالی و اداری تأسیس کرد که فارغان صنف نهم مکتب ابن سینا در آن با امتیازات خاصی پذیرفته می شد.

داوودخان و وزیر مالیه عصری و متجدد وی با کمک دوستی شوروی باید اقتصاد افغانستان را هم عصری می ساختند. این کار ایجاب نظام اقتصادی پلان های پنج ساله را می نمود؛ زیرا پلان با حساب و کتاب دقیق سروکار دارد. برای این کار باید موسسه علوم اقتصادی تأسیس می شد. قبل از آن اقتصاد به حیث یک رشته فرعی در پوهنخی حقوق تدریس می شد که شاگردان آن فاکولته بعد از ختم صنف دوم به رشته های دپلوماسی، اداری و اقتصاد تقسیم می شدند. روی این ضرورت موسسه یا انستیتوت اقتصاد در پهلوی فاکولته حقوق آن وقت که در جوار زیارت شاه دوشمشیره، در خانه سابقه غلام نبی خان چرخنی که مصادره شده بود جای داشت، تأسیس شد. پلان پنجساله اول از سال 1335 هـ.ش شروع شد. من با مرحوم دکتور سید شریف شرف در سال 1950 از طرف وزارت معارف به مصرف دولت افغانستان برای تحصیل رشته معلمی تجارت عازم اتریش شدیم. ما دوفتر در ماه اسد 1336 (1957) بعد از فراغت تحصیل در رشته اقتصاد با دپلوم داکتری اقتصاد و مافوق ماستری معلم تجارت از اروپا به وطن برگشتیم و به عوض معلم مکتب تجارتي، به حیث اسیستانت در موسسه اقتصاد پذیرفته شدیم. از تفصیل بیشتر این موضوع صرف نظر می شود. مرحوم داکتر شرف و من در انستیتوت تجارت یونیورستی وینا تحصیل کردیم. از همین یونیورستی آقایون دکتور امان الله زیوری و دکتور سیدعبدالله کاظم هم موفق به اخذ درجه دکتوری شده اند.

در آن زمان هنگام تقرری به حیث استاد در پوهنتون کابل در حصه تثبیت درجه علمی در برابر بعضی ذوات از لطف و مهربانی و در حصه اشخاص دیگر مانند مرحوم دکتور شرف و من از اغماز کار گرفته شده است که از تفصیل جزئیات آن در این جا صرف نظر می شود.

محصلان انستیتوت اقتصادی مرکب از محصلان رشته اقتصاد پوهنخی حقوق بودند که دو سال اول را به صورت مشترک با محصلان حقوق مضامین حقوقی و اقتصادی را تعقیب می کردند و فارغان کورس مالی اداری بودند که از صنف سوم به بعد مضامین اختصاصی اقتصادی را فرامی گرفتند و بحیث لیسانسه فارغ التحصیل می شدند. مرحوم دکتور شرف و این جانب در ماه اسد 1336 ه.ش. مطابق آگست 1957 طوری که قبلاً اشاره شد، در نصف سال تعلیمی در انستیتوت اقتصادی مقرر شدیم. قبل از ما جناب مرحوم محمد عارف غوثی، ماستر اقتصاد از امریکا، دکتور سعادت غوثی مامور وزارت خارجه ( به حیث استاد حق الزحمه ئی)، مرحوم نجیب الله امرخیل<sup>1</sup> ( که در آن زمان درجه ماستری داشت)، قیومی شاید فارغ تحصیل سوئیس به (به حیث استاد حق الزحمه ئی) و آقای غلام علی کریمی که در امریکا بدرجه BA در اقتصاد تحصیل کرده بود و بحیث مدیر عمومی محصلین و تعلیم و تربیه ریاست پوهنتون کابل اجرای وظیفه میکرد، مصروف تدریس در موسسه اقتصادی بودند. به حیث رئیس انستیتوت اقتصادی مرحوم پوهاند داکتر محمد حکیم ضیائی، دارای رشته تحصیلی فلسفه یا سوسیو لوجی در فرانسه، اجرای وظیفه می کرد. بعداً مرحوم غلام محمد نیاز<sup>2</sup>، عنایت الله انور که هر دو در یونیورسیتی لوزان سوئیس تحصیل کرده بودند به حیث استاد در رشته های بانکداری و تجارت بین المللی و محمد یوسف ایوبی<sup>3</sup> در رشته احصائیه تدریس می کردند. یک نفر استاد خارجی به نام von Mann که به لسان آلمانی و انگلیسی صحبت و در یکی از وزارت خانه ها به حیث متخصص کار می کرد، به حیث استاد حق الزحمه ئی مصروف تدریس بود. آقای پروفیسور هلموت هان (Helmut Hahn) استاد جغرافیای پوهنخی ادبیات در انستیتوت اقتصادی مضمون جغرافیای اقتصادی را در بدل حق الزحمه تدریس می کرد. آقای پروفیسور هلموت هان به اساس قرار داد که معاشش از طرف پوهنتون کابل پرداخته می شد استخدام گردید. در حقیقت با فعالیت های تدریس استادان متذکره موسسه اقتصادی شرایط یک پوهنخی را به صورت کُل تکمیل کرده بود و آمادگی به حیث یک پوهنخی مستقل داشت.

از فارغان دوره اول انستیتوت اقتصاد میتوان از آقای محمد خان جلالر (وزیر تجارت در زمان داوود خان)، فضل الحق خالقیار (وزیر مالیه و بعداً صدراعظم رژیم دیموکراتیک خلق)، از دوره دوم آقای محمد انور شبان<sup>4</sup>، عبدالله حقایقی، اسلام الدین ساویز<sup>5</sup> و سلطان علی کشتمند ( صدراعظم رژیم دیموکراتیک خلق) واز دوره سوم از آقایون محمد امین فرهنگ<sup>6</sup> و عنایت الله قدیری اسم برد.

انستیتوت اقتصاد جمعاً سه اطاق درسی داشت که دو اطاق آن در الحاقیه و یک در اصل تعمیر فاکولته حقوق بود. از سالون تعمیر اصلی طور استثنائی گاهگاهی حق استفاده را داشتیم و بس. یک اطاق برای اداره بود و بال کون شمالی تعمیر که از اطاق اداری راه داشت و یک اطاق علیحده برای رئیس که درعین حال مجلس استادان هم در آن دایر می شد، تخصیص داده شده بود.

به حیث رئیس فاکولته حقوق در اول مرحوم غلام سرور رحیمی اجرای وظیفه می کرد که فارغ التحصیل رشته ادبیات بوده در وزارت مالیه سابقه کاری داشت. موصوف در فاکولته حقوق درس مبادی اقتصاد تدریس می کرد که

---

<sup>1</sup> که بعداً به درجه دکتری در رشته اقتصاد کلان در یونیورسیتی بن آلمان ناپل شد

<sup>2</sup> که بعداً در علوم اقتصادی و اجتماعی ئی یونیورسیتی کلن آلمان موفق به اخذ درجه دوکتری در شته بانکداری شد.

<sup>3</sup> بعداً در رشته احصائیه و اکونومیتری در فاکولته علوم اقتصادی و اجتماعی ئی یونیورسیتی کن آلمان ناپل به درجه دکتری شد.

<sup>4</sup> موفق به درجه ماستری و دکتری به رشته اقتصاد کُل، تیوری اقتصادی و تجارت بین المللی در علوم اقتصادی و اجتماعی ئی یونیورسیتی کُلن آلمان شد.

<sup>5</sup> در جه دکتری را در انستیتوت جغرافیای در فاکولته فلسفه یونیورسیتی کلن به دست آورد.

<sup>6</sup> موفق به اخذ درجه ماستری و دکتری در فاکولته اقتصاد و علوم اجتماعی یونیورسیتی کلن شد

سویه و حجم درس وی به مراتب پائینتر از دروس آقای مرحوم کریمی بود. در سرطان 1339 تقرر پوهاند دکتور ضیائی به حیث رئیس پوهنځی حقوق، دکتور سراجی به حیث رئیس انستیتوت اقتصاد و مرحوم دکتور سید بهوالدین مجروح به حیث رئیس پوهنځی ادبیات رسماً اعلان شد.<sup>7</sup>

## 2 - آغاز توأمیت ها در پوهنتون کابل

همکاری علمی ممالک خارجی با افغانستان از پیش وجود داشت که به جزئیات آن به صورت دقیق معلومات ندارم. با آنهم می توان گفت که ترکها در رشته نئی طب همکاری داشت. مثلاً رفقی سناتوریم یادگاری از همان زمان همکاری است. درشته تعلیم و تربیه نظامی افسران اردوی افغانستان در ترکیه تربیه می شدند. این همکاری بعد از جنگ دوم تضعیف و بالأخره متوقف شد. بعد از ختم جنگ عمومی دوم فرانسه با وزارت صحیه و معارف خاصاً پوهنتون که بعد تر تأسیس شد در رشته طب همکاری را شروع کردند. یکی از استادان ترک اسمش که بنام من منجی او غلوبود، در فاکولته حقوق که در وقت تأسیس بنام **اکادمی علوم سیاسی** یاد می شد، تدریس می کرد.

بعد از جنگ دوم نخست فرانسه، طوری که ذکر شد، در رشته طب (فاکولته طب اولین موسسه علمی افغانستان به عنوان فاکولته شناخته شد)، بکار آغاز کرد. اولین پڑشکان طب (به سویه طبیب اما نه به سویه دکتورای اکادمیک) در سال 1316 هـ.ش. از این موسسه فارغ شدند که استادان شان در آنوقت ترکها بود.<sup>8</sup> بعد از جنگ فرانسوی ها ترکها را در فاکولته طب تعویض کردند. شروع همکاری علمی امریکا در زمانی شروع شد که این جانب در وینا مصروف تحصیل بودم.

وقتی که پوهاند دکتور عبدالحکیم ضیائی از انستیتوت اقتصاد به حیث رئیس فاکولته حقوق تبدیل شد، آوازه نئی همکاری یونیورسیتی سوربن با فاکولته حقوق جان گرفت.<sup>9</sup> به عقیده دکتور ضیائی با آمدن استادان فرانسوی باید انستیتوت اقتصاد کمافی السابق جزء فاکولته حقوق باشد و محصلان رشته اقتصاد دو سال اول را مشترکاً با محصلان حقوق درس بخوانند. زیرا آن انستیتوت نه از خود استادی داشت و نه تعمیری. در واقعیت طوریکه قبلاً اشاره شد، این اظهارات پوهاند داکتر ضیائی در قسمت تعمیر صدق می کرد؛ اما با آمدن استادان جوان (آقای عنایت الله انور، مرحوم دکتور نیاز و دکتور محمد یوسف ایوبی) فاکولته اقتصاد دارای ظرفیت مساعد برای یک فاکولته مستقل بوده می توانست.

با شروع پلان های پنجساله اقتصادی وزارت پلان در چوکات صدارت در ابتدا و بعداً تحت نظر مستقیم داوود خان و متخصصان پلانگذاری شوروی تحت اداره مستقل وزیرخودش بنام محترم عبدالحی عزیز شروع بکار کرد. در آن وقت فارغان صنف 12 خیلی کم بود و برای پیشبرد پلان دوم روسها در مجلسی که من هم حاضر بودم ضرورت انجیزان و فارغان اکادمیک را بیش از دو هزار تخمین کرده بودند. پلان های اقتصادی که مورد توجه خاص داوود خان بود، وجود موسسه عالی تربیه کدر اکادمیک را برای امور اقتصادی ضروری می پنداشت. مشکل بسیار بزرگ برای من عبارت از استقلال انستیتوت اقتصاد به حیث یک پوهنځی مستقل و استقامت پایداری پوهنځی حقوق برای بقای انستیتوت اقتصاد به حیث یک جزء لاینفک پوهنځی حقوق، بود. پس اولین کارم تلاش برای جدا شدن رسمی انستیتوت اقتصاد از پوهنځی حقوق به حیث یک پوهنځی مستقل بود. مشکلی اولی که سد راه

<sup>7</sup> اینکه چرا آقای غلام سرور رحیمی از سمت ریاست فاکولته حقوق سبکدوش شد. دو آوازه وجود داشت اول اینکه آقای رحیمی به سبب اظهارات سیاسی که بین رفقا در رستوران بریکوت (در محل باغ وحش فعلی) به عمل آورده بودو آوازه دوم آن تطبیق لایحه حاضری در اخیر سال 1338 بود که در اثر آن یک تعداد محصلان فامیل های باقدرت از امتحان سالانه محروم شدند (نویسنده در سال 1338 محصل صنف اول پوهنځی حقوق و شاهد عینی این موضوع بود). آقای حمیدالله بعد از اینکه مرحوم پوهاند داکتر حکیم ضیائی به وظایف دیگری در نظر گرفته شد، به حیث رئیس پوهنځی مقرر گردید.

<sup>8</sup> کتاب هائیرا که ترکها در رشته طب نوشته اند، در مطبعه کابل چاپ شده است که اینجانب (داکتر سراجی) یک نسخه آنرا از کتاب فروش های کنار دریای کابل، در سال 2007 برای دخترم خریدم.

<sup>9</sup> قبل از تقرر آقای دکتور ضیائی به حیث رئیس فاکولته، همکاری فرانسه با فاکولته حقوق جریان داشت چنانچه در سال 1339 و 1340 دو استاد فرانسوی بالای صنوف اول و دوم فاکولته حقوق (زمان تحصیل نویسنده در فاکولته حقوق) مضامین فلسفه و میتودولوژی تدریس می کردید. مضمون اولی توسط آقای دکتور محمد احسان تره کی و مضمون دومی توسط مرحوم دکتور ولید حقوقی ترجمه می شد.

قرار میگرفت، نداشت اطاق های درسی بود. انستیتوت اقتصاد در سال اول تنها دارای دو صنف سوم در دورشته داشت. رشته مالی و رشته اقتصادی. رشته مالی (فارغان کورس مالی آن وقت بودند) و برای وزارت مالیه کارمند تربیه می کردند و رشته اقتصادی که محصلان آن فارغان صنف دوازدهم لیسه های کشور بودو از صنف سوم پوهنخی حقوق جدا می شد و در انستیتوت اقتصاد برای وزارت اقتصاد و بعداً وزارت پلان کارمند اکادمیک تربیه می کرد. مشکل اطاق درسی در سال بعدی بیشتر شد، زیرا در پهلوی صنوف سوم مالی و اقتصادی، صنوف چهارم مالی اقتصادی افزود شد. برای اینکه مشکل اطاق از بین رفته باشد، تدریس را دو هفته ساخته و هم صنوف درسی به صنوف دروس عمومی و اختصاصی دسته بندی شد.

در باره استقلال انستیتوت اقتصاد با مرحوم دکتور عمر وردک معاون علمی پوهنتون و مرحوم دکتور علی احمد پوپل وزیر معارف وقت، صحبت نمودم. آنها موافقه خویش را مشروط بر اینکه، به جز بودجه و امکانات فعلی، تقاضای دیگری نداشته باشم، به تأسیس انستیتوت اقتصاد به حیث یک پوهنخی اقتصاد مستقل، ابراز داشتند.

### 3 - توأمیت پوهنخی اقتصاد کابل با یکی از فاکولته های اقتصاد آلمان

اینجانب با استاد آلمانی بنام پروفیسور هلموت هان که قبلاً یاد شد و اصلاً به حیث استاد جغرافیه پوهنخی ادبیات ایفای وظیفه می کرد و در انستیتوت اقتصادی هم به صورت حق الزحمه تدریس می نمود، به حیث استاد ترجمان کار می کردم. با پروفیسور هلموت هان که در عین زمان رابطه و عضویت برحال یونیورسیتی بن را داشت، درباره امکان توأمیت پوهنخی اقتصاد با یکی از پوهنتون های آلمان صحبت کردم. پروفیسور هان به این ارتباط با سفارت آلمان در کابل در تماس شد و باین طریق روزنه امید ایجاد شد. چندی بعد آقای شلاگن وایت (Schlagenweit) که عضو شعبه کلتوری سفارت آلمان بود، غرض کسب معلومات در باره فاکولته جدیدالتأسیس اقتصاد به پوهنخی آمد و بامن صحبت مختصر در باره این پوهنخی به عمل آورد. تبادل افکار با پروفیسور هلموت هان و شلاگن وایت باعث گردید تا با مرحوم دکتور پوپل وزیر معارف مشوره کنم. موصوف در باره هم علاقه نشان داد. در نتیجه قرار داد توأمیت بین پوهنتون کابل به ارتباط پوهنخی اقتصاد و پوهنخی ساینس با موسسات عالی جمهوریت اتحادی آلمان در سال 1341 در بن به امضا رسید. در دوره اول قرار داد که برای مدت دوسال اعتبار داشت، استادان آلمانی به صفت مستخدم افغانی که معاش شان به عهده دولت افغانستان بود، اجرای وظیفه می کردند. بعد از دوسال قرار داد توأمیت تجدید شد، کمیت و کیفیت کمک تقویه و توسعه یافت. چنانچه معاش و مصارف استادان آلمانی و مصارف تهیه ارسال مواد درسی که در خارج تهیه می شد، از جانب آلمانی پذیرفته شد. تهیه کتب برای تأسیس و تکمیل کتابخانه ئی پوهنخی اقتصاد و وسایل و مواد مصرفی لابراتوار پوهنخی ساینس را جانب آلمانی متعهد گردید. اكمال تحصیلی اسپستانت ها و استادان هر دو پوهنخی پوهنتون کابل که در مرحله اول تا به سویه دکتورا و بعد از آن تباله استادان و پروفیسوران مهمان جهت تجدید و تکمیل معلومات و تحقیقات علمی در قرار داد های بعدی گنجانیده شد و از جانب آلمان قبول گردید. در پلان پنجساله پوهنخی اقتصاد متکی به قرارداد توأمیت شش دبیارتمنت پیشبینی شد که در رأس آن باید استاد به سویه پروفیسور و متناسب به آن به شکل هرمی (Pyramide) استادان پائین رتبه از پوهیالی الی پوهنوال قرار داشته باشد و الی ختم دوره توأمیت تکمیل گردد. در ماه حمل 1342 (مارچ 1963) اولین گروپ 5 نفری یونیورسیتی کلن به ریاست فقید پروفیسور کراوس بکابل رسید و عملاً به تدریس آغاز کردند. موضوع توأمیت باعث شد تا به هدایت داکتر پوپل مقام رهبری پوهنتون کابل (پوهاند دکتور انوری رئیس و دکتور محمد عمر وردک معاون علمی) تعمیری برای پوهنخی اقتصاد در خواجه ملا مربوط به فابریکه حجاری و نجاری آن وقت به کرایه بگیرند. به این طریق تدریس توسط اعضای توأمیت در تعمیر جدید با محصلانی که از صنف اول به پوهنخی اقتصاد ثبت نام شده بودند، با قرائت چند آیات قران مجید در تعمیر جدید مستقل پوهنخی اقتصاد افتتاح شد. از ابتدای سال 1964 پوهنخی اقتصاد به تعمیر جدید پوهنتون در علی آباد کابل نقل مکان کرد.

تعمیر جدید با داشتن اطاقهای بیشتر امکانات زیادی را برای پوهنخی اقتصاد فراهم ساخت. اطاق های اداری برای مقام ریاست، معاونیت، مدیریت تدریسی و نشرات و کتابخانه و صنوف درسی به صورت کافی موجود بود. دکتور سرابی و مرحوم کتور شرف (معاون علمی) در هفته 23 ساعت وظیفه ترجمانی استادان آلمانی را در پهلوی کار های اداری به عهده داشتند. از بعضی استادان دیگر افغانی هم به حیث اسپستانت ترجمان استفاده می شد (مخصوصاً همکاری آقایان مرحوم سید زبیر صدیقیان و میر امان الدین امیرپور قابل تقدیر میباشد). هم چنان تدریس استادان افغانی مانند مرحوم محمدعارف غوثی، محمد یوسف ایوبی، مرحوم غلام محمد نیاز، عنایت الله انور، مرحوم امرخیل و بعضی استادان حق الزحمه ئی شایسته یاد آوری است. جریان تدریس به صورت منظم و

بدون سکتگی باعث گردید تا تشویش هیأت توأمیت و مقامات پوهنتون کابل و وزارت معارف (در آنوقت پوهنتون مربوط به وزارت معارف بود از بین رود.

قرار اظهارات دکتور سرابی در سالهای اول توأمیت مشکل زیاد در قسمت ترجمانی به زبان آلمانی وجود داشت. تیم توأمیت آلمانی اصرار داشت تا برای انتخاب عضو جدید کدر علمی پوهنخی اقتصاد دانستن زبان آلمانی ضروری باشد. در موار استثنائی استاد آلمانی به لسان انگلیس لکچر میداد که در این زمینه از اسپستانت های انگلیسی زبان در تدریس و ریسرچ کمک استفاد می شد. در دو سه سال اول مقام پوهنخی اقتصاد مجبور بود به اجازه و موافقه وزیر معارف خلاف لایحه علمی تنها فارغ التحصیلان مکتب نجات (آلمانی) را به حیث اسپستانت قبول نماید.

در آغاز توأمیت در پلان گذاری مقام ریاست تأسیس شش دیپارتمنت با رتب پوهاند (پروفیسور) الی پوهیالی پیش بینی شده بود که طبق آن در اخیر ختم توأمیت باید یک کدر افغانی به وجود آید که دگر محتاج به استادان آلمانی نباشد. در استراتیژی پلان گذاری که تقریباً ده سال را در بر می گرفت، پوهاند داکتر شرف در همه امور و موارد مهم توأمیت بیدریغ همکاری میکرد. در این پلان پیشبینی تأسیس شش دیپارتمنت پیشبینی شده بود که در سطح پائین کدر اسپستانت های جوان که از پوهنخی اقتصاد فارغ التحصیل می شدند، مقرر گردند و بانیست این اسپستانت های جوان با انجام دوسال خدمت و گذشتاندن موفقانه دوره نامزدی پوهیالی غرض کسب تحصیلات عالی به آلمان، امریکا و انگستان اعزام گردند. مزید برآن برای اینکه از اسپستانت های جوان برای ترجمانی استادان آلمانی استفاد شود، کوشش شد تا در ابتدا قسمت اعظم اسپستانت ها فارغین مکتب امانی باشند. استثناء در این انتخاب صرف برای یک دوره بلند بودن نمرات کامیابی رعایت نشد. اما در انتخاب اسپستانت ها در سال های بعد بلند بودن وسطی نمرات حتمی بود. به سویه پائینتر از پوهاند به هر رتبه چندچند نفر در هر دیپارتمنت در نظر گرفته شده بود این استادان مرکب از استادان سابقه انستیتوت اقتصاد و سایر استادان بودند که دارای سویه ماستری بودند و در آینده غرض اخذ دکتوری پیش بینی شده بودند. در پلان گذاری خطر اینکه بعضی اسپستانت های جوان قادر به اخذ دپلوم نشوند و یا بعضی استادان به شعبات دولتی تبدیل گردند، رعایت شده بود. از آنرو در قدم اول بالای اعطای بورس های تحصیلی به اسپستانت جوان تأکید شد که مورد قبول پروفیسور کراوس هم قرار گرفت. اولین گروپ اسپستانت ها در جریان سال 1963 و بعد از آن در هر سال به تعداد حد اکثر چهار اسپستانت غرض تحصیلات عالی و اخذ درجه دپلوم (ماستری) به یونیورسیتی های کلن، بن و بوخوم که بعداً شامل توأمیت شدند، اعزام گردیدند. مزید بر اعزام اسپستانت ها، اعزام آن استادانی که دارای درجه ماستری بودند، غرض کسب درجه دکتورا به آلمان در نظر گرفته شد. این موضوع در قسمت آن استادانی هم تطبیق شد که در جریان توأمیت با درجه ماستری به حیث استاد مقرر گردیدند. تأکید جدی بر این بود باید که استاتید پوهنخی اقتصاد اقلماً دارای درجه دکتوری باشند و در چوکات توأمیت امکان آن در خارج میسر باشد که به مدارج بلند تر اکادمیک (Dr. Habil) نایل گردند. من (داکتر سرابی) هم به پختگی استادان افغانی اصرار می ورزیدم. منتهی برای اینکه استاد از تجربه درسی به صورت مطلوب برخوردار گردد، پیشنهاد شده بود که اسپستانت ها بعد از اخذ درجه ماستری باید به وطن بازگشت کنند و بعد از دوسال انجام کارهای علمی دوباره غرض اخذ دکتوری عازم آلمان شوند. چنانچه در ابتدا این کار هم شد (مثلاً بازگشت محمد انور شبان بعد از ختم دوره ماستری). اما به سبب مظاهرات مسلسل محصلان در پوهنتون و توأم به آن تعطیل پوهنخی ها این طرز العمل طوری که در نظر بود، عملی شده نتوانست و آن کسانیکه موفق به اخذ ماستری شده و توانستند شرایط اخذ دکتوری را حاصل نمایند، مستقیماً به تحصیل دکتور ادامه داده و بعد از ختم درجه دکتوری به وطن بازگشت نمودند.

اینجانب (داکتر سرابی) در نظر داشتم که پروژه کار دپلوم (ماستری) را به پوهنخی اقتصاد بدرجه داکتری ارتقا بدهیم و تهیه کتب درسی و وسایل تحقیقی استادان افغانی ویا مشترک را که در اثر تحقیقات فردی و یا مشترک به کمک توأمیت آماده می شوند، افغانها بدست خود گیرند و همه این امور را از آغاز قرار داد دوم ادامه بدهیم. آلمانها و ما هم قرار داد اول را به حیث دوره امتحانی تلقی می کردیم.

برای امضای قرار داد دوم در نظر بود که هیأت افغانی مرکب از آقایان دکتور توریالی اعتمادی رئیس پوهنتون کابل، داکتر کاکرو من (داکتر سرابی) غرض عقد قرار داد دوم به آلمان (ماه می یا جون 1966) آمدیم. وقت مذاکرات برای یک هفته پیشبینی شده بود، اما سه هفته را در برگرفت. به سبب اینکه داکتر کاکر به لسان آلمان بلدیت نداشت و رئیس پوهنتون در مذاکرت سهم نمی گرفت، بناءً تمام مسایل قرار داد به عهده من (داکتر سرابی) قرار داشت. خوشبختانه در آن وقت مرحوم داکتر علی احمد پوپل سفیر افغانستان در آلمان بود، در مواقع ضرورت

د پانوی شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

همیشه از مشوره های موصوف استفاده می کردم (داکترسرابی) که از اعطای هر نوع مشوره به من دریغ نمی کرد.

طوریکه قبلاً اشاره شد مرحوم علی احمد پوپل وزیر معارف بود و روزی مرا (داکتر سرابی) در وزارت احضار و پرسان کرد که چرا به حیث رئیس پوهنخی وظیفه ترجمه درس آلمانی را انجام میدهید. این موضع شاید نزد آلمانها و مقامات سایر پوهنخی ها تصوراتی را ایجاد نماید. در جواب گفتم بلی، من با هریک استاد آلمانی حد اقل یک مضمون را ترجمه میکنم و با رئیس تیم توأمیت تمام مضامینی را که تدریس می کند. دلیل آن این است که مطمئن شوم که در تدریس رویه استاد آلمانی و محصلان چگونه است. زیرا یک تعداد محصلان پوهنخی اقتصاد دارای نظریات چپی بودند (که بعداً اعضای مهم بیروی سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق شدند). استادان از رویه محصلان شکایت میکردند و محصلان متون درسی آلمان ها را مطابق بروحیه کپیالیستی دانسته و شکایت داشتند. در سالهای دهه شصت میلادی انقلاب فکری بین جوانان اروپا و امریکا در جریان بود که حتی رئیس یونیورستی (Rektor) را در اطاقش قفل می کردند. جوانان طغیان کرده به جاده ها می برآمدند. من از استادان آلمانی خواهش میکردم تا از حوصله کار گرفته و با منطق با محصلان صحبت نمایند و عملاً ایشان را قناعت بدهید؛ زیرا محصلان ما صرف مناقشه کرده و هیچ نوع عمل نامناسب و جسارت دیگر نمی کنند. به آقای پوپل گفتم برای اینکه در مقابل محصل و استاد آلمانی طور مستند و قرار مشاهدات خود قضاوت کرده بتوانم، مطمئن شده شاهد اوضاع باشم که آیا توأمیت قدرت دوام را دارد یا نه؟ در صورتی که پوهنخی موفق شود و حیثیتی در جامعه حاصل کند، پس حیثیت رئیس خود بخود بلند می رود. اگر کار هابه اصطلاح شارید و وضع پاشان شود، رئیس هر قدر بلند پروازی کند، حیثیت و آبرو برایش باقی نمی ماند. مرحوم دکتور پوپل از استدلالم خوش شد و گفت که مقصد من همین بود که شما درک کرده اید.

موضوع دیگری که با تیم توأمیت موافقه شده بود، تبادل استادان افغانی الی درجه پوهاندی بعد از دو سال خدمت غرض تجدید معلومات، انجام کار تحقیقی و یا تحریر یک اثر تحقیقی در آلمان بود. به این طریق زمینه تحقیق مشترک و یا فردی برای استادان افغانی و آلمانی فراهم گردید. استادان آلمانی و افغانی در ساحات مختلفه شروع به تحقیق کرده که نتایج این تحقیقات به لسان آلمانی در مجله های معروفی آلمانی<sup>10</sup> و یا در مجله پوهنخی اقتصاد که بنام «اقتصادی خیرنه» یاد می شد، به نشر رسیدند.

در چوکات توأمیت یک تعداد کتب آلمانی که ممد درسی بودند به دری یا پشتو ترجمه گردیدند. هم چنین به کمک توأمیت و با همکاری یک کمیته استادان قاموس اصطلاحات اقتصادی دارای بیش از 4.000 اصطلاح اقتصاد از آلمانی و انگلیسی به دری آماده شد و در سال 1972 به شکل گسندندری به طبع رسید.

---

10) Afghansische Studien, Hrsg. Ludolf Fische, Karl Jettmar, Rene König, Willy Kraus und Karl Rathjen, Verlag Anton Hain, Maisenheim am Glan,

در جلد هفتم این سلسله در سال 1977 یک پروژه تحقیقی محمدنعیماسد، پروفیسور برگنر و داکتر هورست بوشر تحت عنوان معضلات اقتصاد فعالیت گاهی موسسات صنعتی افغانستان به لسان آلمانی نشر رسیده مزید بر آن دو مقاله تحقیقی محمد نعیم اسد در مجله Zeitschrift für Betriebswirtschaftslehre, 2. Juni 1978 تحت عنوان ارزیابی دارائی ثابت طبق مقررات بیلائس افغانستان و در مجله Zeitschrift für das gesamte Genossenschaftswesen, Bd.27 (1977) Heft 3 تحت عنوان کوپراتیف ها در افغانستان به لسان آلمانی و همچنین اثر تحقیقی محمد نعیم بشکل یک کتاب تحت عنوان معضلات مدیریت کارمندان در افغانستان در سلسله نشرات اقتصاد تصدی بن در سال 1981 به حمایت الکساندر هُمبولد شتیفتونگ به چاپ رسیده است:

M. Naim Assad, Probleme der Mitarbeiterführung in Afghanistan, Hrsg.: Horst Albach, Hans-Jacob Krümel und Hermann Sabbel, BD 11, Bonn 1981

<sup>10</sup> توضیحات از طرف نویسنده

ادامه دارد

---

د پانوی شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ